

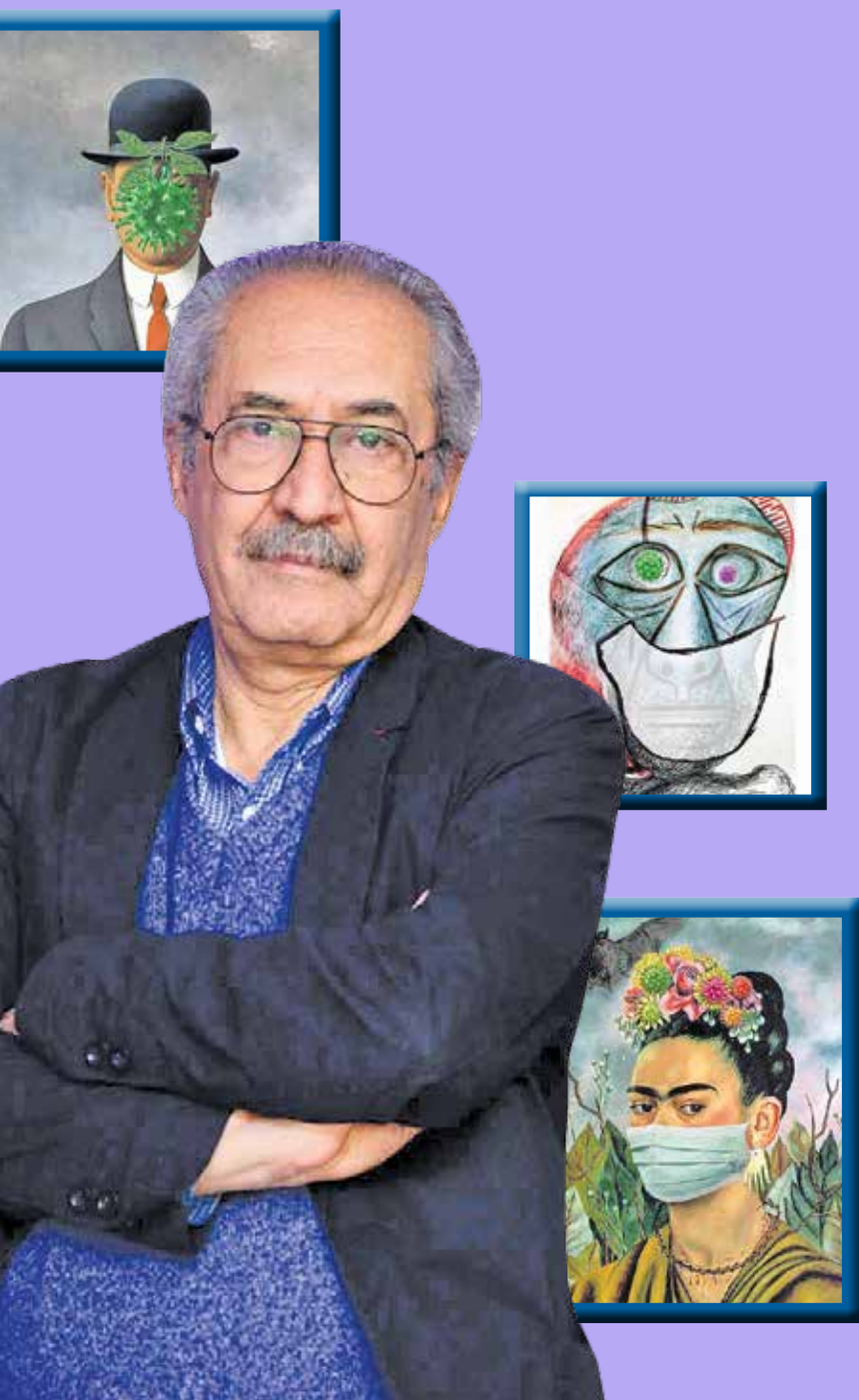


کیما سماوات / خبرنگار  
او این هفته با ابراهیم حقیقی، مسعود فروتن و هوشنگ چالنگی  
درباره رؤیاهای دیروز و امروز و فردا صحبت کرده است

گپ و گفت «ایران جمعه» با ابراهیم حقیقی  
گرافستی که در ۱۵ تابلو  
دست به شیوه‌های مریض دنیا برد

# رؤیا مسکن روح است و مرهم زخم

← ابراهیم حقیقی طراح گرافیک، عکاس و مدیر هنری است که طی چند دهه گذشته آثار بسیار زیادی از او بر جلد کتاب‌ها، مجلات، فیلم‌ها و... دیده شده و مرادها و دوستی‌هایی بسیار با اهل فرهنگ، هنر و ادب داشته و بار و یاهای آنها بخوبی شناخت که توانسته طرحی بر کتابی یا پوستر فیلمی بزند که به یادگار بماند و همیشگی. او خودش هم هنرمندی است که گاهی بایک خط به رویایی رسیده، مگر می‌شود هنرمند را از رویا خلع کرد؟ حقیقی در یک حرکت خلاقانه در روزگاری که فقط قرار بود در خانه بمانیم، به رویاهایی که قبلاً از قلم و ذهن کسانی دیگر بیرون تراویده بود و جاودانه شده بود باز یگوشانه و البته هنرمندانه دست برد و چیزی به آنها اضافه کرد: «ملزومات کرونا» تارویایی جدید، خیالبافی جدید و دست انداختن جهانی را پیش روی مخاطب بگذارد که انگار نمی‌خواهد با رویای آمدن روزهای خوب ایام شود. ابراهیم حقیقی همان روزهای نخستین شیوع پاندمی کرونا در ۱۵ تابلو و بر اساس تابلوهایی از رنه مگریت، ونسان ونگوگ، ادوارد مونش، فرانسیسکو گویا، گرنت وود، فریدا کالو، پل سزان و لئوناردو داوینچی وضعیت جهان امروز را بازنمایی کرد و در این رویا که به رویایی دیگر اضافه شده بود، انگار قصد داشت کمی از بار این رنج کم کند با این شوخی... این شوخی رویاگونه و هنرمندانه که انگار در خواب اتفاق می‌افتد. با ابراهیم حقیقی نه صرفاً درباره این تابلوها، بلکه درباره جاو جایگاه رویاهایی که داشته و داریم حرف زدیم و قربانتش با هنر و آنچه این روزها تجربه می‌کنیم.



## همیشه رؤیا پروری کنیم

مسعود فروتن /  
کارگردان و گوینده رادیو  
و تلویزیون و ناشر



← هنرمند همیشه سعی می‌کند رؤیای خود یا دیگران را به تصویر بکشد. یک بازیگر، رؤیای کارگردان و نویسنده را به تصویر می‌کشد. یک نقاش رؤیای خود را به تصویر می‌کشد که ممکن است بارها آن را دیده باشد، یک نویسنده ممکن است رؤیای خود را از یادداشت‌هایی که تلویحاً از ذهن خود برگرفته، بنویسد. هنرمند با رویا زندگی می‌کند. خیلی وقت‌ها رویایی که دور از ذهن است اتفاق می‌افتد. مثلاً شخص کارگردانی در سینمای فرانسه وجود داشت که با وجود تلخی کابوس، کابوس‌هایش را تبدیل به فیلم می‌کرد. پس یک هنرمند درگیر رؤیای خودش است و مدام با آن دست و پنجه نرم می‌کند. به نظر من فرق بین رؤیا و تخیل در این است که در تخیل به صورت ارادی فکری را در سرمی‌پرورانیم که ممکن است براحتی زودتر به نتیجه و سرانجام برسد اما رؤیا ممکن است به دور دست‌ها برود و حتی درگیر یک دنیای فانتزی شود که دیرتر قابل دسترسی باشد. رؤیا با فانتزی هادگیر است.

ولی تخیل با واقعیت. وقتی درگیر نوشتن می‌شوم بیشتر از تخیل استفاده می‌کنم برای مثال اتفاقاتی را که در گذشته افتاده است می‌نویسم و در آن قصه‌ها، قهرمانان داستانم را به گونه‌ای فرم می‌دهم و وارد ماجرا می‌کنم که به ریشه شخصیت‌هایم آسیب نزنند. این موضوع در کار من ترکیبی از رؤیا و تخیل است. اولین رؤیا یا آرزویی که به یاد دارم کمی تلخ بود. به خاطر می‌آورم که اختلاف کوچکی بین پدر و مادرم شکل گرفته بود و مادرم چند روزی از خانه‌مان رفته بود. به طور مداوم دعا می‌کردم که مادرم هر چه زودتر به خانه برگردد و ما بدون مادر نمائیم و در آن دوران این بزرگ‌ترین آرزویم بود. با آنکه خیلی زود مادر و پدرم آشتی کردند اما آن دوروز برای من چند سال گذشت. متوجه شدم زندگی بدون مادر چقدر سخت است و چقدر خوب شد که به آرزویم رسیدم. لزوماً این طور نیست که هر چه بزرگ‌تر بشویم رؤیاهایمان هم بزرگ‌تر می‌شود. آدم‌هایی را می‌شناسم که از من هم